مروری

بررسی تعارض قرارداد جانشینی در بارداری و مقررات مربوط به تمکین زن در قوانین ایران

دکتر سید محمد اسدی نژاد* - عباس یداللهی باغلویی** - سیده مریم اسدی نژاد***

* عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

** دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان

*** دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

چکیده

زمینه و هدف: جانشینی در بارداری یکی از شیوه‌های درمان ناباروری است که به موجب این شیوه تخمک زنان نابارور با اسپرم شوهران آن‌ها در محیط آزمایشگاه لقاح یافته و جنین حاصله به منظور رشد و پرورش به رحم زن دیگری منتقل می‌شود که از این زن تعبیر به مادر جانشین می‌شود. حال چنان چه مادرجانشین متاهل باشد با انعقاد قرارداد مزبور و انجام تعهدات حاصل از آن، نمی‌تواند وظایف قانونی زوجیت در برابر شوهر خود را به طور کامل انجام دهد؛ لذا این سوال مطرح می‌شود که در حالت فوق شوهر مادرجانشین دارای چه حقی نسبت به همسر خود می‌شود؟ و آیا می‌تواند قرارداد همسر خود را به دلیل تعارض با حق خود فسخ نماید؟

یافته‌ها: از مجموع مقررات قانونی در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده می‌توان گفت قانون‌گذار یک سری وظایفی را به عهده همسر نهاده و ضمانت اجراهایی را برای آن بیان داشته است. هر زنی از جمله مادر جانشین موظف بوده وظایف قانونی در برابر شوهر خود را که از آن تعبیر به تمکین می‌شود انجام داده و چنان چه بدون عذر موجه از انجام آن تخطی کند مشمول ضمانت اجراهای قانونی در این زمینه می‌شود.

نتیجه‌گیری: مادر جانشین با انعقاد قرارداد جانشینی در بارداری نسبت به تخلف از ادای وظایف زوجیت در برابر شوهرش، مسؤولیت می‌یابد و شوهر او می‌تواند از ضمانت اجراهای تمکین مانند سقوط نفقه و غیره علیه همسر خود استفاده نماید. همچنین او می‌تواند قبل از فراکاشتن جنین در رحم همسر خود، قرارداد مزبور را برهم زند.

کلید واژه: مادر جانشین، تمکین، شوهر، نفقه

وصول مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۹ تایید مقاله: ۱۳۹۲/۷/۹

نویسنده پاسخگو: گیلان، رشت، ۵ کیلومتری جاده قزوین، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه حقوق Mohammad_asadinejad@yahoo.com

تلفن : ۰۱۳۱-۳۲۳۲۶۱۶

مقدمه

ناباروری یکی از مشکلاتی است که از قرن‌ها پیش ذهن دانشمندان را به خود مشغول کرده و به منظور حل آن تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. در قرن اخیر با پیشرفت دانش و فن‌آوری، راه‌حل‌های جدیدی برای درمان ناباروری ارائه گردیده که یکی از آن‌ها استفاده از رحم زن دیگر برای بارداری است. برخی زنان با وجود داشتن تخمدان‌های سالم، به دلیل مشکلاتی نمی‌توانند یک بارداری موفق را تجربه کنند که به موجب این روش تخمک این زنان با اسپرم شوهران آن‌ها در محیط آزمایشگاه لقاح یافته و به موجب قراردادی جنین حاصله به منظور رشد و پرورش به رحم زن دیگری انتقال می‌یابد که از این زن تعبیر به مادر جانشین می‌شود. انعقاد قرارداد جانشینی در بارداری بین مادر جانشین و والدین ژنتیکی، مباحث حقوقی متعددی را با خود به همراه دارد که یکی از آن‌ها، بحث مسؤولیت مادر جانشین است. مادر جانشین از یک‌طرف ممکن است با نقض تعهدات قراردادی در برابر والدین ژنتیکی مسؤولیت یابد و از طرف دیگر با اجرای تعهدات این قرارداد به حقوق اشخاص ثالث در قرارداد آسیب وارد کند. شوهر مادر جانشین یکی از افرادی است که قرارداد جانشینی در بارداری حقوق قانونی او را که به موجب عقد نکاح تحصیل کرده مانند ادای وظایف زوجیت از طرف همسر خود، تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو این سؤال می‌تواند مطرح باشد که شوهر مادر جانشین چه اقدام قانونی در برابر عمل همسر خود می‌تواند انجام داده و از طرف دیگر آیا او توانایی انحلال قرارداد همسر خود را داراست؟ و در صورت پاسخ

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-02]

مثبت به این سؤال این حق تا چه زمانی برای شوهر متصور می‌باشد؟

روش بررسی

روش بررسی این تحقیق تحلیلی توصیفی است؛ بدین ترتیب که ابتدا با بررسی مواد قانونی مختلف در این زمینه و مراجعه به نظرات فقها و حقوقدانان، ابتدا حقوق قانونی شوهر که به موجب عقد نکاح تحصیل می‌شود و از مهم‌ترین آن‌ها بحث تمکین زن بوده تبیین و در ادامه به بررسی این نکته می‌پردازیم که مادر جانشین با انقاد قرارداد جانشینی در بارداری چگونه از ادای وظایف زوجیت در برابر همسر خود تخطی کرده و به چه صورت ضمانت اجراهای قانونی عدم تمکین نسبت به او اعمال می‌شود و علاوه بر آن شوهر مادرجانشین چگونه می‌تواند قرارداد همسر خود را برهم زند. از مهم‌ترین قوانینی که در مورد وظیفه تمکین زن وجود دارد قانون مدنی و قانون حمایت خانواده بوده که قانون‌گذار به تفصیل در آن‌ها به بیان مقررات در باب خانواده می‌پردازد. همچنین از آن جا که این مقررات ریشه در فقه داشته برای تبیین و فهم دقیق آن‌ها ناگزیر از مراجعه به متون فقهی می‌باشیم.

از آن جا که بحث جانشینی در بارداری و بررسی حقوقی آن سابقه زیادی در فقه و حقوق ایران ندارد، آثار چندانی در زمینه این پژوهش نمی‌توان یافت. این تحقیق قسمتی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با موضوع «مبانی و قلمرو مسؤولیت مادر جانشین» بوده که به صورت یک مقاله مستقل تنظیم شده است.

یافته‌ها

قوانین ایران با توجه به فقه یک سری وظایفی را به موجب عقد نکاح بر عهده طرفین آن نهاده است که از تکالیف زن می‌توان به تمکین، سکونت در منزل مشترک و ایجاد محدودیت شغلی توسط همسر اشاره کرد. در این قسمت تکلیف تمکین زن و ضمانت اجراهای نقض آن را از قوانین مختلف در این زمینه بیان می‌داریم.

از مهم‌ترین تکالیفی که زن در خانواده دارد، بحث تمکین است. برخی آن را از اساسی‌ترین، مهم‌ترین و در عین حال غیرآشکارترین مسأله در خانواده و در روابط زوج‌ها دانسته و از تکالیف حتمی زن بیان داشته‌اند (۱). تمکین در لغت به معنی فرمان بردن، قبول کردن، پذیرفتن، نیرو دادن، قدرت دادن، فرمان‌برداری، احترام و توانایی است (۲). تمکین در معنای اصطلاحی به معنی اظهار اطاعت زوجه نسبت به زوج بوده (۳) که وابسته به عادات و رسوم اجتماعی و اخلاق عمومی است (۴). تمکین در اصطلاح فقه امامیه و در عرف حقوقی ما دارای دو معنای عام و خاص می‌باشد. در تمکین عام باید دو عنصر از طرف زن نسبت به مرد رعایت گردد: ۱- اطاعت فرمان‌پذیری زن از شوهر ۲- خوشرویی و خوشرفتاری زن نسبت به شوهر. به نظر می‌رسد در زندگی زناشویی هر دوی این موارد باید رعایت گردد تا تمکین به معنای عام را محقق بدانیم. تمکین به معنی خاص نیز مربوط به رابطه جنسی زن با شوهر بوده که «زن رابطه جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی وجود داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند ...» (۵) به عبارت دیگر زن باید همیشه آماده رابطه جنسی با شوهر خود باشد. (۶)

در مقابل تمکین، قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، از لفظ «عدم تمکین» و در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی از عبارت «امتناع از ادای وظایف زوجیت» استفاده می‌کند که این عناوین معادل واژه «نشوز» در فقه می‌باشد (۷). فقها واژه نشوز را در لغت به معنی «ارتفاع» دانسته‌اند (۱۱-۸). در اصطلاح فقهی از نشوز تعاریف متفاوتی به عمل آمده ولی آن‌چه از مجموع کلام فقها در مورد نشوز می‌توان فهمید این است که نشوز ترک اطاعت طرف مقابل است که خداوند متعال آن اطاعت پذیری را بر او واجب کرده است که در واقع عدم تمکین به معنای خاص بوده و زنی که از استمتاع و مقدمات آن امتناع و نافرمانی کند، ناشزه تلقی می‌گردد.

در قانون مدنی بحث نشوز زن در ماده ۱۱۰۸ مطرح شده است. در این ماده آمده است: هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود. اکثر، حقوقدانان مقصود از ماده ۱۱۰۸ را تمکین به معنای عام خود می‌دانند. در همین راستا عده‌ای معتقدند: «... اگر زن بدون عذر موجه حاضر به زندگی با شوهر نشود یا از برقراری رابطه جنسی با او امتناع کند یا در تشیید مبانی خانواده با او همکاری ننماید حقی بر نفقه ندارد. به ظاهر مقصود از ادای وظایف، تمکین به معنای عام است» (۱۲) سایر نویسندگان حقوقی نیز چنین اعتقادی دارند. (۱۵-۱۳)

در برخی موارد شارع و مقنن به زن اجازه داده که تمکین نکند بدون این که آثار سوء نشوز بر او بارز بشود؛ از این موارد در ماده ۱۱۰۸ تعبیر به «مانع مشروع» شده است. در تعاریف مانع مشروع چنین آمده است: «مانع مشروع به آن قبیل عذرهای شرعی اطلاق می‌شود که زن با وجود آن‌ها از انجام وظایف شرعاً معذور است.» (۱۶) که به نظر می‌رسد بتوان آن‌ها را در سه مورد بیان نمود: ۱- معاذیر شرعی: مواردی که با وجود رابطه زوجیت، نزدیکی با زوجه حرام است از قبیل حال حیض، نفاس، احرام، روزه واجب ۲- معاذیر پزشکی: اگر زن به بیماری مبتلا شود و پزشک نزدیکی را با او منع نماید، یا شوهر به امراض واگیردار از جمله ایدز مبتلا شود (ماده ۱۱۲۷) ۳- سایر معاذیر: از جمله سفر زوجه با اذن زوج (۱۷)، امتناع از ایفاء وظایف زن در برابر شوهر تا زمانی که مهر به او تسلیم نشده در مورد اولین نزدیکی (م ۸۵ ۱۰ ق م)، خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن در صورتی که در یک مسکن با زوج زندگی کند (م ۱۱۱۵ ق.م).

در قانون موضوعه و در رویه علمی دادگاه‌ها، یک سری ضمانت اجرایی نیز برای تمکین وجود دارد مانند: عدم استحقاق زوجه نسبت به نفقه، اقامه دعوی الزام به تمکین از طرف مرد، مراجعه به دادگاه

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-02]

و تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش، عدم امکان مطالبه اجرت المثل و یا نحله از طرف زوجه در هنگام طلاق، امکان محکومیت زوجه به جبران خسارت.

بحث

به طور یقین مادر جانشین در مراحلی از دوران بارداری قادر نخواهد بود تمایلات و خواسته‌های جنسی همسر خود را برآورد. همچنین در صورتی که مادر جانشین در قرارداد خود متعهد شده باشد که در طول دوران بارداری از برقراری هرگونه رابطه جنسی خودداری کند، مجبور است از تمکین خاص در برابر شوهر امتناع کند. خودداری از برقراری رابطه جنسی، در بارداری زن که از شوهر او حاصل شده باشد، مبتنی بر خواست مشترک طرفین بوده و نمی‌توان زن را ناقض وظایف تمکین خاص دانست. اما در فرضی که مادر جانشین با جنین متعلق به دیگران باردار شود، در این صورت از آن جا که خواست شوهر در این جا وجود ندارد، می‌تواند از مصادیق نشوز زن محسوب گردد.

از طرف دیگر زن مجبور است در طول دوران بارداری و حتی قبل از آن برای انجام معاینات و آزمایشات لازم به مراکز خاص مراجعه کرده یا احیاناً در برخی مواقع تحت مراقبت‌های ویژه و اورژانسی درآید که بدین منظور باید از منزل مشترک خارج گردد. پیداست که مادر جانشین در برابر والدین جنین متعهد است که این معاینات و آزمایشات را انجام بدهد حتی اگر شوهر او را از انجام این کار منع کند.

علاوه بر این، بارداری به طور معمول سبب تغییر در خلق‌وخوی زن و به تبع تغییر نوع برخورد او با شوهر خود شده یا سبب تغییر در ظاهر فیزیکی زن می‌شود، حتی برخی تغییرات تا مدتی بعد نیز باقی است. به هر حال عوارض بارداری چیزی نیست که قابل کتمان باشد یا بتوان در برخی موارد با توسل به لوازم آرایشی یا وسایل دیگر این امر را پوشاند.

نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که در بارداری زن برای دیگری (بدون این که رضایت همسر را تحصیل کرده باشد) از مصادیق معاذیر تمکین محسوب نمی‌شود تا مشمول ضمانت اجراهای تمکین نگردد. درنتیجه زن با اقدام به جانشینی در بارداری از تمکین همسر تجاوز کرده و مشمول مجازات‌های عدم تمکین می‌گردد.

مطابق ماده ۱۱۰۸ ق م تنها ضمانت اجرای موثر برای تخلف از تمکین زوجه در قبال زوج، عدم استحقاق وی نسبت به نفقه عنوان شده است (۱۸). در این ماده آمده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود» شوهر مادرجانشین نیز می‌تواند از حکم ماده ۱۱۰۸ ق. م. استفاده نموده و با مراجعه به دادگاه و اثبات این که همسرش، جنین متعلق به دیگران را پذیرفته و در رحم خود نگه‌داری می‌کند و همچنین این قرارداد بدون رضایت او منعقد شده، نشوز همسرش را از ایفای وظایف زوجیت اثبات کند.

آیا شوهر مادر جانشین علاوه بر ضمانت اجراهای قانونی می‌تواند قرارداد جانشینی در بارداری همسر خود را فسخ کند؟ قبل از ورود به این بحث، باید این نکته مشخص گردد که شوهر زن چه نقشی در قرارداد جانشینی در بارداری دارد؟ به عبارت دیگر آیا شوهر مادرجانشین داخل در عقد بوده و اراده او در انعقاد عقد موثر است یا این که اراده او در انعقاد عقد موثر نبوده و تنها از جهت لطمه‌ای که بر حقوق او به موجب قرارداد وارد می‌شود باید رضای او نیز تحصیل گردد به طوری که بدون رضای او قرارداد غیرنافذ باشد و یا این که شوهر هیچ نقشی در عقد همسر خود ندارد؟

به تحقیق از نظریه اول نمی‌توان حمایت کرد زیرا در عالم ثبوت این قرارداد بین مادر جانشین و زوجین نابارور منعقد شده و برای تحقق عقد، همین دو اراده کافی است. در مورد دو نظر دیگر بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی قائل به نظر دوم بوده و برای آن استدلال‌هایی بیان می‌دارند: «در مورد اجاره رحم به دلیل آن که مورد تعلق و حق شوهر است، لزوماً اجازه شوهر را می‌طلبد.» (۱۹) همچنین بیان می‌دارند: «رضای شوهر دایه با منطق تعهدات قانونی، عرفی و نیز تعهدات ناشی از عقد نکاح دایه در برابر شوهر قابل توجیح است زیرا دایه به موجب عقد نکاح، قانون و عرف متعهد شده است که جز فرزندان شوهر خویش را، در دوران زناشویی، در رحم خود نپرورد» (۲۰).

در همین زمینه استدلال دیگری نیز بیان شده است: با توجه به مواد مختلف قانون مدنی در مورد معاملات فضولی و ماده ۵۷ قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶ و با توجه به روح و مفهوم قانون، می‌توان این اصل کلی را استنباط کرد که «در هر مورد، قراردادی به حق شخص ثالثی لطمه وارد کند، نفوذ آن قرارداد، منوط به تنفیذ صاحب حق خواهد بود.» در ادامه نویسنده معتقد است: «بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم که قرارداد مادر جانشین و تعهداتی که مادر جانشین به موجب آن به عهده می‌گیرد در حقوق ایران بدون اجازه شوهر مادر جانشین نافذ نمی‌باشد و تنفیذ قرارداد منوط اجازه شوهر مادر جانشین است. قرارداد او در صورت رد شوهر مادر جانشین باطل می‌شود» (۲۱). مطابق نظر این گروه شوهر مادر جانشین داخل در قرارداد جانشینی در بارداری نبوده ولی عقدی که مادر جانشین با والدین ژنتیکی منعقد می‌نماید قرارداد غیر نافذی است که نیاز به تنفیذ دارد.

در همین راستا برخی دیگر به ریاست شوهر بر خانواده استناد کرده و بیان می‌دارند: «بنابراین انجام هر آن چه که به نحوی مرتبط با مصالح و اهداف خانواده است؛ نیازمند رضایت شوهر – به عنوان رئیس خانواده- است. در این جا نیز به نظر می‌رسد چون با پذیرش این قرارداد و انتقال جنین به رحم زوجه، حداقل در مدتی از زمان بارداری، حق استمتاع جنسی شوهر سلب می‌شود و شوهر [به نظر می‌رسد مقصود نویسنده زوجه یا همسر بوده که به اشتباه شوهر بیان شده است] مجاز به این امر نخواهد بود و با عنایت به این که یکی از اهداف ازدواج و تشکیل خانواده، استمتاع جنسی است لذا انتقال جنین به رحم زوجه، نیازمند رضایت

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-02]

زوج است.» ولی در مورد ضمانت اجرای آن برخلاف نظر دسته اول عدم رضایت را سبب غیر نافذ شدن عقد ندانسته و چنین می‌گویند: «عدم اخذ رضایت زوج نیز در این مورد، حداقل می‌تواند موجب مسؤولیت مدنی پزشک و یا مؤسسه درمانی شود چرا که ایشان سبب ورود ضرر (سلب حق استمتاع زوج) شده‌اند» (۲۲).

در مقابل، برخی دیگر قائل به عدم تاثیر اذن زوج در قرارداد جانشینی در بارداری بوده و بیان می‌دارند: «قرارداد مادر جانشینی در هر حال قراردادی است که بین مادر جانشین با زوج متقاضی منعقد می‌گردد و عدم صدور اذن یا اجازه شوهر مادر جانشین یا عدول از آن موجب عدم نفوذ یا بطلان عقد ایجاد شده نخواهد بود» (۲۳). نویسنده مزبور در ادامه معتقد است که عدم رضای زوج به عقد زوجه، قرارداد زن را باطل نمی‌کند ولی سبب می‌شود که ضمانت اجراهای قانونی تخلف از حقوق شوهر نسبت به زن اجرا گردد و در صورت رضای زوج، ضمانت اجراهای مزبور در مورد او مجری نخواهد بود (۲۴).

در هر حال چنان‌چه قائل به نظر اول باشیم، دیگر بررسی امکان انحلال عقد از جانب شوهر مادر جانشین معنا پیدا نمی‌کند زیرا عقد مادر جانشین غیرنافذ بوده و تا رضای شوهر به آن منضم نشود، نفوذ حقوقی نداشته و نمی‌توان مفاد آن را اجرا نمود. چنان‌چه مادر جانشین به هر نحوی بدون اذن زوج مبادرت به این کار نموده باشد، (از جمله شوهر در مسافرت باشد یا زندانی بوده و یا اصلاً زن از عمد این کار را انجام داده باشد) در این صورت چنان‌چه شوهر قبل از انتقال جنین به رحم زن مطلع شود می‌تواند عقد همسرش را منحل نماید و چنان‌چه شوهر بعد از انتقال جنین از این امر مطلع گردید، دیگر بر عدم رضای زوج اثری مترتب نیست زیرا دیگر برداشت جنین از رحم این زن خلاف نظم عمومی بوده و امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این صورت شوهر مادر جانشین می‌تواند از ضمانت اجراهایی که در ابتدای این بحث آمده استفاده نماید ولی اگر قائل به نظر دوم باشیم، شوهر حق انحلال عقد را به اعتبار غیرنافذ بودن آن ندارد.

هر چند این بحث در فقه سابقه‌ای ندارد ولی برخی فقها در اجاره زن مرضعه، اذن شوهر را شرط دانسته و چنین بیان می‌دارند: «و یجوز استیجار المرأه للرضاع مده معینه باذن الزوج» (۲۵) برخی دیگر نیز هرچند رضای زوج را شرط ندانسته ولی در صورتی که مانع از حق استمتاع زوج بوده، اذن او را لازم می‌دانند: «یجوز استئجار المرأه للارضاع بل للرضاع أیضاً بأن یرتضع الطفل منها مده معینه و إن لم یکن منها فعل، و لا یعتبر فی صحه إجارتها لذالک إذن الزوج و رضاه، بل لیس له المنع عنها إن لم یکن مانعاً عن حق استمتاعه منها، و مع کونه مانعاً یعتبر إذنه أو إجازته فی صحتها...» (۲۶) به نظر می‌رسد از همین مبنا می‌توان استفاده نموده و رضای زوج را شرط وقوع عقد جانشینی در بارداری دانست.

نکته‌ای که در این جا باید به آن اشاره شود این است که حق انحلال قرارداد مادر جانشین تا چه زمانی برای شوهر او محفوظ است؟ آیا شوهر مادر جانشین تا پایان دوره بارداری می‌تواند از این حق استفاده کند یا استعمال این حق را باید محدود نمود؟ برخی در این زمینه صراحتاً بیان می‌دارند که حق انحلال قرارداد توسط شوهر مادر جانشین پیش از انتقال جنین به رحم مادر جانشین و پس از آن برای او محفوظ است مگر در صورتی که این کار منجر به سقط جنین گردد (۲۷). این سخن محل تأمل است و به نظر باید اختیار مرد در بر هم زدن عقد همسر خود را به زمانی که عقد منعقد شده ولی هنوز جنین به رحم زن منتقل نشده است محدود نمود. وقتی جنین به رحم زن منتقل شده دیگر فسخ عقد هیچ تاثیری نمی‌تواند داشته باشد زیرا ما در این جا با حیات یک موجود انسانی مواجه هستیم که هرگونه تعرض به آن خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد؛ هیچ تضمینی وجود ندارد که انتقال جنین به سلامتی و حیات او آسیب نرساند.

از طرف دیگر اگر قرارداد جانشینی در بارداری بعد از انتقال جنین چنین تزلزل‌پذیر باشد هیچ گاه والدین ژنتیکی به آن تن در نمی‌دهند زیرا هر لحظه امکان دارد شوهر مادرجانشین عقد مربوطه را فسخ نماید و آنان را در اضطراب پیدا کردن زن دیگری که بتوان جنین را به رحم او منتقل نمود قرار دهد البته مشروط بر این که این امر از لحاظ پزشکی ممکن باشد. در نتیجه زن باید تا انتهای بارداری مراقبت‌های لازم و اقدامات ویژه دوران بارداری را به عمل آورده و نمی‌تواند به دلیل فسخ عقد توسط شوهر یا بطلان عقد در صورت حکم دادگاه در راستای اجرای ماده ۱۱۱۷ ق م، نسبت به جنین هیچ‌گونه کوتاهی یا سهل‌انگاری روا دارد.

بعد از بررسی حقوق قانونی شوهر و نقض این حقوق توسط مادر جانشین و ضمانت اجراهای آن، در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسؤولیت مادرجانشین در برابر شوهرش قابل اسقاط می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد حقوقی که شوهر بر زن دارد از حقوقی نیست که غیر قابل اسقاط بوده باشد؛ این حقوق قابل اسقاط بوده و با اذن یا اجازه شوهر نسبت به قرارداد همسر خود، مادرجانشین مسؤولیتی در قبال نقض حقوق همسر خود به موجب اجرای قرارداد جانشینی در بارداری ندارد. نکته‌ای که باید در این جا مد نظر داشت این است که آیا اذن یا اجازه زوج قابل عدول می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا شوهر می‌تواند نخست اذن یا اجازه خود را نسبت به قرارداد مادر جانشین اعلام نموده، سپس از آن عدول کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال مثبت باشد زیرا این امر حق شوهر است و نمی‌توان آزادی وی را از او سلب کرد. البته باید در نظر داشت که عدول از اذن اعطایی توسط شوهر در صورتی ممکن است که هنوز جنین به رحم زن منتقل نشده باشد در صورت انتقال جنین از آن جایی که ممکن است عدول از اذن و برداشتن جنین از رحم این زن سبب آسیب به حیات جنین شود، نمی توان این حق را برای شوهر قائل شد.

نتیجه‌گیری

مادر جانشین با انعقاد قرارداد جانشینی در بارداری حقوق شوهر

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-02]

خـود را مـورد تعرض قـرار می‌دهد و شـوهر نیز می‌توانـد از ضمانت اجراهـای قانونی در این زمینه اسـتفاده نماید. علاوه بر این در صورتی که هنوز جنین به رحم زن منتقل نشـده شوهر می‌تواند مانع از انتقال جنین به رحم همسـرش شـود. البته این مسـؤولیت در صورتی است کـه قرارداد بدون اذن شـوهر منعقد گردد و اذن یا اجازه شـوهر رافع مسـؤولیت همسـرش می‌شـود. عدول از این اذن نیز تا قبل از انتقال جنین ممکن و بعد از آن از آن جا که در ارتباط با حیات جنین می‌باشد به دلیل ارتباط با نظم عمومی ممکن نیست.

با توجه به جدید و بی‌سـابقه بودن موضوع جانشـینی در بارداری به نظر می‌رسـد لازم اسـت قانون‌گذار در این زمینه ورود پیدا کرده و با تدوین قانونی مناسـب به بسیاری از ابهامات و اختلاف نظرها خاتمه دهد.

Refrences

1- Madani J. Civil Law Family Law. 1ed ed. Vol 8. Tehran. Paydar. 1382. 232. [Persian]
2- Moein M. Pershian Dictionary. 19ed ed. Vol 1. Tehran. Amir kabir. 1381. 1142. [Persian]
3- Jafary Langarody J. Family Law. 4ed ed. Tehran. Ketabkhaneh ganj danesh. 1386. 173 [Persian]
4- Katozian N. Civil Law Family. 3ed ed. Vol 1. Tehran. Enteshar. 1371. 228 [Persian]
5- Safaei H, Emami A. A Concise of Civil Law. 12ed ed. Tehran. Mizan. 1386. 131 [Persian]
6- Emami H. Civil Law. 8ed ed. Vol 4. Tehran. Ketabforoshi Eslamieh. 1371. 448 [Persian]
7- Mohaghegh damad M. The Jurisprudience and Legal Examination of Family Marriage and Its Terminaion. 7ed ed. The Central of Publication of Islamic Sciense. 1379. 296 [Persian]
8- Mohaghegh Helli. Sharayeoll Eslam fi Masaelol Halaleh Val Haram. Najaf. Matbaatol Adab fi Najafol Ashraf. 1389gh. 338 [Arabic]
9- Najafi MH. Javaherol Kalam fi Sharhe Sharayeol Eslam. 2eded. Vol 31. Tehran. Maktabatol Eslamieh. 1374 gh. 200 [Arabic]
10- Tabatabaei A. Riazol Masael fi Sharhol Ahkam Beddalael. Beyrot. Darolhoda. Vol 7. 1412gh. 119 [Arabic]
11- Sahid sani. Arrozatol Bahiah fi Sharhel Lomato Dameshghiah. Qom. Vol 3. Majmaol Fekrol Eslamih. 1432gh. 308 [Arabic]
12- Gorji A etc al. A Comparative Study of Family Law. 2ed ed. Tehran. University of Tehran. 1387. 199 [Persian]
13- Jafary Langarody J. Family Law. 4ed ed. Tehran. Ketabkhaneh ganj danesh. 1386. 174. [Persian]
14- Mohaghegh damad M. The Jurisprudience and Legal Examination of Family Marriage and Its Terminaion. 7ed ed. The Central of Publication of Islamic Sciense. 1379. 297 [Persian]
15- Emami H. Civil Law. 8ed ed. Vol 4. Tehran. Ketabforoshi Eslamieh. 1371. 453 [Persian]
16- Mohaghegh damad M. The Jurisprudience and Legal Examination of Family Marriage and Its Terminaion. 7ed ed. The Central of Publication of Islamic Sciense. 1379. 297 [Persian]
17- Jafary Langarody J. Family Law. 4ed ed. Tehran. Ketabkhaneh ganj danesh. 1386. 175 [Persian]
18- Dayyani A. Family Law Marriage and Its Termination. 1eded. Tehran. Mizan. 1387. 262. [Persian]
19- Bathaei Golpayegani H. Research Around The Birth Without Marriage. 2ed ed. Tehran. Samt and Ebnesina. 1382. 384. [Persian]
20- Gasemzadeh M. Surrogacy in The Law of Iran. 1ed ed. Tehran. Samt and Ebnesina. 1386. 445 [Persian]
21- Nayeb Zadeh A. Legal Aspects of The Newest Reproductive Metods Surrogacy- Egg/Embroy Donation. 1ed ed. Tehran. Majd. 1380. 249 [Persian]
22- Sadeghi M J, Rahimi H, Ammani Samani R. The Necessity of The Give The Consent of pregnant Woman,s Husbadnd in Surrogacy. 1ed ed. Tehran. Royan. 1390. 88 [Persian]
23- Seyfi GH. The Laws of Third Parties in Surrogacy Agreement. 1ed ed. Tehran. Samt and Ebnesina. 1386. 425 [Persian]
24- Seyfi GH. The Laws of Third Parties in Surrogacy Agreement. 1ed ed. Tehran. Samt and Ebnesina. 1386. 436 [Persian]
25- Najafi MH. Javaherol Kalam fi Sharhe Sharayeol Eslam. 7eded. Vol 27. Tehran. Darolkotob Eslamie. 1394 gh. 293 [Arabic]
26- Emam Khomeini R. Tahrirol Vasileh. Vol 2. Najaf. Matbaatol Adab fi Najafol Ashraf. 1387gh. 87 [Arabic]
27- Mehdi osharif M, Sarmadi L. The Termination of Surrogat Agreement. 1ed ed. Tehran. Royan. 1390. 156 [Persian]

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-02]